

نادیده گرفتن اهمیت تلاش و پشتکار نویسنده در روشنگری جنبه های گوناگون انقلاب مشروطه دانست. این کتاب بر شمردن متعارف رویدادهای دوران مشروطه را با تحلیل ریشه ها و بازشناخت دست اندرکاران و بررسی چند و چون کامیابها و ناکامیهای آن تحول سترگ در هم آمیخته است. نویسنده خود را ملهم از برخی تاریخ پژوهان انگلیسی می داند که کوشیده اند به جای بررسی کارنامه سرآمدان، تاریخ مردم عادی را بکاوند، کسانی که تاریخ گذشته خود را خود ساخته اند ولی خود ننوشته اند. کتاب انباشته از جزئیات سودمند است و به ویژه درباره موقعیت و نقش فرودستان شهری، دهقانان، زنان، و اقلیتها آگاهیهای مفیدی به دست داده است. اگر نکته بیان اهل فن همه این جزئیات را دقیق یا موثق نیابند، اگر برخی نتیجه گیریها را با شواهد متناسب نیابند و آنها را بر منابع استوار متکی ندانند، یا اگر تحلیل و تفسیر مؤلف را از آنها با مقتضیات و امکانات جامعه ایران اوائل سده بیستم سازگار نپندارند، باز هم خواندن این کتاب را سودمند خواهند یافت و موجه را از ناموجه و استوار را از ناستوار باز خواهند شناخت. این کتاب از جامع ترین و مفصل ترین کتابهایی است که تاکنون به زبان انگلیسی درباره انقلاب مشروطه منتشر شده است و در میان نوشته های موجود جایگاه در خور خود را خواهد یافت.

بخش تاریخ، دانشگاه کانتیکات

مصطفی عاصی

داریوش آشوری

فرهنگ علوم انسانی (انگلیسی - فارسی)

تهران، مرکز، ۱۳۷۴، صفحات: ۴۷۸

گامی فراتر از فرهنگ نگاری*

فرهنگ علوم انسانی به چند دلیل اثری در خور توجه و با اهمیت است. نخست آن که کتابی ست مرجع در زمینه ای گسترده و پر مخاطب، و دیگر آن که در چارچوب واژه نامه ای تخصصی به ارائه برابره های فارسی برگزیده و آماده برای اصطلاحهایی پرداخته که در حوزه های گوناگون کاربرد فراوان دارند. همچنین، افزون بر گزینش، در بسیاری از موارد دست به واژه سازی و نو آوریهای زده است و مهمتر این که به گفته نویسنده، بر پایه پژوهشی بلند مدت و بر شالوده ساختاری منظمی بنیاد نهاده شده است.

بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان نگران آنند که اگر جنبشی بنیادی در راه دستیابی به همه دانشها، فنون و صنایع جهان پیشرفته انجام نگیرد، شاید برای همیشه از کاروان پر شتاب تمدن واپس مانیم؛ و باز بسیاری بر این باورند که پس از فراهم آمدن زمینه های بایسته برای دریافت، انتقال، و بومی ساختن این دانشها، مهمترین ابزار، زبانی توانا، کارا، و علمی ست. از آن جا که واژگان زبان بزرگترین سهم را در باز نمود مفاهیم و معانی داراست، می توان نتیجه گرفت که یکی از بنیادی ترین اقدامها در جهت کمک به توانمندی و کارآیی علمی زبان، تقویت و گسترش واژگان آن به ویژه در حوزه دانش و فن است. هم از این روست که کار تدوین فرهنگها و واژه نامه ها، واژه گزینی و واژه سازی روز به روز اهمیت و رواج بیشتری می یابد.

برای رسیدن به واژگان فنی و تخصصی یک رشته علمی، یعنی مجموعه ای منسجم و منظم از اصطلاحات دقیق، با کمترین ابهام یا تداخل و تکرار، راهی دراز و پر پیچ و خم باید پیموده شود. از معرفی و آشنایی با این دانش و شاخه ها و مفاهیم آن گرفته تا آغاز به ترجمه یا تدوین مطالب و تهیه متون آموزشی و پژوهشی و تا کوششهای پراکنده نویسندگان و مترجمان گوناگون برای برابری یا واژه سازی برای اصطلاحات و مفاهیم؛ و آن گاه که شمار واژه ها فزونی گیرد، کسانی دست به گردآوری و تدوین واژگان می زنند و این می تواند مقدمه ای گردد برای گزینش برابریهای شایسته تر و نیز مشخص شدن کمبودها و نارساییها. شاید گامهای نهایی در این راه پدید آوردن واژه نامه (اصطلاح نامه) و فرهنگ توصیفی هر رشته باشد.

بخش بزرگی از کارهای فرهنگ نگاری تخصصی را تا کنون کسانی انجام داده اند که پیش از آن که فرهنگ نگار حرفه ای به شمار آیند، دوستان و کارشناسان رشته های گوناگون دانش اند که بر پایه شم زبانی و درک عمومی خود از شرایط فرهنگی و علمی جامعه، و نیز برای پاسخگویی به نیاز رشته تخصصی خویش، به گردآوری واژگان یا واژه نامه ای پرداخته اند. اینان با همه علاقه مندی و تلاشهای سودمندشان، شاید به این نکته توجه نداشته باشند که امروزه فرهنگ نگاری خود دانشی کاربردی و گسترده با فنون و روشهای نوین است که نیاز به تخصصهایی چند، و دانش و تجربه کافی دارد. با چنین برداشتی، فرهنگ نگاران، یک فرهنگ یا واژه نامه را اثری تک افتاده و مستقل نمی دانند بلکه آن را حلقه ای از زنجیره تکوین واژگان زبان یا مرحله ای از فرایند پیچیده ای که در بالا یاد شد، می دانند. از این رو مراحل را از یکدیگر جدا می سازند و تقدّمها را در نظر می گیرند و با هر یک به گونه ای کارشناسانه برخورد می کنند.

آشوری با فرهنگ علوم انسانی آگاهانه در این میدان گام نهاده است. تجربه حریفه ای و پیگیر اومی تواند پشتوانه خوبی برای کاری منسجم و هدفمند باشد. اما دریغ که او کوشیده است با این کار چندین گام را یکباره بیساید و در نتیجه کاستی‌هایی را در پی آورده است.

فرهنگ نگاری، اصطلاح شناسی و واژه گزینی

با آن که واژه شناسی و تدوین فرهنگ لغات در ایران و کشورهای دیگر پیشینه ای دیرینه دارد، اما تکامل و پیشرفت آن با بهره گیری از دستاوردهای زیان شناسی نوین و رایانه در همین چند دهه پیش صورت گرفته تا آن را در جایگاه دانشی کاربردی بنشانند. هارتمن، فرهنگ نگار سرشناس اروپایی، فرهنگ نگاری^۱ را «یکی از جوانترین رشته های علوم زبانی» به شمار می آورد.^۲ نخستین پیامد چنین تحولی، جداسازی مفاهیم و مقولات، مرزبندی حوزه های گوناگون، بازشناسی کارهای متفاوت از یکدیگر و تعریف دقیق آنهاست. همو، مانند بسیاری از کارشناسان دیگر، «فرهنگ نگاری» را در بر گیرنده طیف گسترده ای از فعالیتها می داند که محصولات گوناگونی به بار می آورد، از این رو دیگر نمی توان و نمی باید فرهنگهای عمومی،^۳ واژه نامه های اختصاصی،^۴ مجموعه اصطلاحات^۵ و واژگان^۶ را با یکدیگر در آمیخت، چرا که هر یک هدفی متفاوت را دنبال می کند و مخاطبانی جدا دارد و به ناچار صورت و محتوای متفاوتی نیز می طلبد.

سیگر (J. Sager)، اصطلاح شناس نامدار، از دیدگاههای گوناگون به بررسی و مقایسه فرهنگ نگاری و اصطلاح شناسی می پردازد و یکی از تفاوتهای اساسی آنها را در برخوردشان با واژگان، یعنی مواد خامی می داند که باید گردآوری و پردازش شوند «فرهنگ نگار اساساً، «همه» واژه های زبان را گرد می آورد تا با روشهای گوناگون آنها را تنظیم نماید و پس از گردآوری بر حسب معنی به جداسازی آنها می پردازد. واژه نامه (فرهنگ) آرمانی وی در بر گیرنده همه واژه ها و همه معانی آنهاست؛ گرچه در عمل، وی زیر مجموعه هایی را برای کاربردهای مختلف ایجاد می نماید. اصطلاح شناس از جایگاهی محدودتر کار را آغاز می کند. او تنها به زیر مجموعه هایی از واژگان علاقه مند است که واژه ها (یا واژگان) گونه های زبانی ویژه ای را تشکیل می دهند. برای دستیابی به چنین زیر مجموعه هایی، او نیاز به ساختاری از دانش دارد که وجود این زبانهای ویژه و مرزهای آنها را توجیه نماید، به گونه ای که وی بتواند هر واژه را به بخشی از این ساختار نسبت دهد. از آن جا که یک واژه می تواند به چند حوزه دانش تعلق داشته باشد - یعنی پدیده آشنای هم آوایی - در نتیجه اصطلاح شناس، باید پیش از تمایز واژه ها به تمایز

معانی بپردازد.^۸

تدوین واژه‌نامه‌های تخصصی نیز با تهیه اصطلاح‌نامه برای همان رشته‌ها یکی نیست. برگن هولتز و تارپ (H. Bergenholts & S. Tarp)^۱ با دقت و جزئیات تمام، این دو زمینه را بررسی و مشخص می‌کنند. آنان اصطلاح‌شناسی را لزوماً تجویزی می‌دانند و بر این باورند که باید بر پایه آراء و نظرهای هنجار گذار هیأت شورا یا سازمانی باشد که درباره مجموعه اصطلاحات و معانی ویژه آنها تصمیم‌گیری می‌کند. در صورتی که گردآوری واژگان و تألیف واژه‌نامه‌های تخصصی گونه‌ای از فرهنگ‌نگاری است که تنها با توصیف واژگان زبانها و گونه‌های خاص آنها سروکار دارد.

زگوستا (L. Zgusta) ضمن تأیید این نکته، آن را مشروط به وجود چنین سازمانهای هنجار گذاری می‌داند.^۲ وجود فرهنگستان با شوراهاى تخصصی دیگر می‌تواند پاسخگوی این شرط باشد.

فرهنگ، واژه‌نامه یا اصطلاح‌نامه؟

فرهنگ علوم انسانی آمیزه‌ای از یک واژه‌نامه تخصصی و یک اصطلاح‌نامه است با نوآوری واژگانی و واژه‌سازیهایی بسیار؛ و نویسنده سختکوش و «علم‌باور» آن گرچه با روشن بینی بر بایستگی جداسازی زبان علمی از زبان ادبی، پی‌ریزی زبان علمی و نیز گسترش دیدگاه و روشهای علمی واژه‌نامه نویسی تأکید داشته‌اند (نگاه کنید به «درآمد» فرهنگ علوم انسانی، ص ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۳۳، و ۳۷) اما از آن جا که یک تنه به این کار سترگ کمر بسته‌اند (ص ۴۱)، با درهم آمیختن چند کار و چند منظور برخلاف مسیر علم گام زده‌اند و با ارائه بر ساخته‌های شخصی (گرچه اغلب نکته‌سنجانه و هوشیارانه)، برخی معیارهای علمی را زیر پا نهاده‌اند. در زیر نمونه‌هایی از نکات یاد شده را نه از راه خرده‌گیری بلکه با تأیید ارزشهای اثر و به عنوان پیشنهادهایی برای بهبود آن می‌آوریم.

۱- واژه‌های تازه‌ای که به جای واژه‌های موجود و جا افتاده پیشنهاد شده و صرف نظر از دوباره‌کاری می‌تواند به آسفتگی بیشتر بینجامد:

واژه تازه	واژه موجود	برابر بیگانه
که‌نوشت	کوته‌نوشت، اختصار	abbreviation
دستیافت، رهیافت، راهبرد	دستیابی	access
دستیافت	انجام، گزارده	accomplishment
چسبانشی	پیوندی	agglutinative
واج آرایبی	تجانس آوایی	alliteration

lynching	اعدام بی محاکمه	لینچ گری، زجر کشی
word order	ترتیب کلمات (واژه ها)	زنجیره سخن
word processor	واژه پرداز	واژه آما

۲- جابه جایی برابرهای فارسی اصطلاحهای یک رشته علمی که طی سالها بررسی و ارزیابی فراهم شده اند، تنها بر مبنای سلیقه نمی تواند پذیرش یابد، به ویژه اگر نیازی به آن نباشد به نمونه هایی در زمینه زبان شناسی بسنده می شود:

	واژه موجود	واژه نوساخته
برابر بیگانه		
allomorph	تکواژگونه	دگر چهره
aphasia	زبان بریشی	زبان مردگی، خموشیدگی
articulate	تولید کردن، روشن	گویا، زیاندار
articulation	تولید، فراگویی	آواگری
articulator	اندام تولید، اندام فراگویی	آواساز، آواگر
articulatory	تولیدی، فراگویی	آواگر
backformation	پس سازی	پس انداخت
comprative adjective	صفت برتر (تفضیلی)	صفت همسج
dativ	حالت برایی (مفعول غیر صریح)	داتیو
denominative	مصدر اسمی	اسم- بنیاد
discourse analysis	سخن کاوی، تجزیه و تحلیل	گفتار کاوی
gloss	واژه	برابرنامه
glossary	واژه نامه	برابرنامه
lexeme	تکواژ (قاموسی)	لغت
lexicographic(-al)	واژگان نگاشتی	لغت نامه ای
loan word	وام واژه	واژه وام گرفته
phrase structure	دستورسازه ای	دستور
grammar		عبارتساختی
word order	ترتیب کلمات (واژه ها)	زنجیره سخن

۳- کاربرد یک واژه برابر فارسی برای چند اصطلاح و مفهوم متفاوت از دقت علمی به دور است:

برابر بیگانه	واژه تازه
congruent	همخوان
congruous	همخوان
commensurable	همخوان
correspondent	همخوان
corresponding	همخوان
congruence	همخوانی
congruity	همخوانی
concord	همخوانی
concordance	همخوانی
correspondence	همخوانی
reconcilement	همخوانی
achievement	دستاورد
attainment	دستاورد
gain	دستاورد
address	رویکرد
approach	رویکرد

۴- کاربرد برد چند واژه یا «وند» فارسی در برابر یک واژه یا «وند» بیگانه نیز از دقت علمی می‌کاهد:

anti-	ستیز (قدرت ستیز)
	دشمن (دشمن مسیح)
	شکن (سنت شکن)
	ضد (ضد هنر)
	پاد (پاد فرهنگ)
	خلاف (خلاف آمد)
	گریز (جامعه گریز)
	آزار (بهد آزار)

آتی (آتی تز)

برابر (برابر نهاد)

phil-

-دوست، -باز، -باره، -پرست

۵- کاربرد واژه بیگانه در جایی که برابر فارسی رایجی برای آن هست، به ویژه اگر در ترکیبهای زیادی نیز شرکت داشته باشد، توجیه شدنی نیست:

واژه بیگانه	واژه موجود	فارسی واژه بیگانه
big bang	مهبانگ، انفجار بزرگ	بیگ بنگ
dativ	حالت برای (مفعول غیر صریح)	داتیو
ideal	آرمان، آرمانی	ایده ای
philologer	لغت شناس (تاریخی)	فیلولوگ
sex	جنس، جنسیت	سکس
shift	نوبت، نوبت کار	شیفت
system	دستگاه، نظام	سیستم
test	آزمون	نت

۶- با آن که نویسنده محترم در یکی از گروههای واژه گزینی فرهنگستان زبان ایران [پیش از انقلاب اسلامی] شرکت می کرده اند و قطعاً سهم شایانی نیز در ساخت واژه های رشته خود داشته اند، اما شاید منصفانه تر و آگاهاننده تر بود اگر واژه های فارسی پیشنهادی فرهنگستان مشخص می گردید. در زیر برخی از این گونه واژه ها یاد می شوند:

analysis	واکافت	admission fee	پذیرانه
anxiety	آسیبگی	ancestor worship	نیا پرستی
bionomics=ecology	زیستبوم شناسی	biomorphic	زیاگونه
biota	زیاگان	biosphere	زیاسپهر
booklet=brochure	دفترک	birth rate	درچند زه وزاد
complex	همتافت	charisma	فره
death ratio	درچند مرگ و میر	death rate	نرخ مرگ و میر
demagogy	مردم فریبی		(بسنجید با :
emeritus	شاینده		«درچند زه وزاد» و
grade	زین، پایه		«درچند مرگ و میر»

input	درونداد	hardware	افزارگان
mass media	رسانه های همگانی	instructor	آموزشیار
normal	بهنجار (فرهنگستان اول)	norm	هنجار (فرهنگستان اول)
requirement	دریابست	output	برونداد
tuition (fee)	آموزانه	terrorism	هراس افکنی

۷- در فرهنگ علوم انسانی مانند هر کار فرهنگی و انفرادی دیگر در کنار کوشش برای واژه سازی منظم و منطقی معیارهای ذوق و سلیقه نیز دخالت داشته است (نگاه کنید به مقدمه ص ۳۹). بنا بر این با همین معیارها نیز ممکن است برخی از برابریهای ساخته شده را نامناسب یا ناخوشایند خواند. از جمله ترکیبهایی که با ریشه ها یا وندهای بیگانه شکل می گیرند. اتمیت، علمور، ملی ور، واقع ور، آبسترگی، سیستمانه، ایده گرانه، و مانند اینها. البته شمار این گونه واژه ها در برابر واژه ها و ترکیبهای درست، دقیق و خوش ساخت ارائه شده زیاد نیست، اما می تواند واکنشی منفی نسبت به مجموعه اثر ایجاد کند.

بد نیست یادآوری شود که وارد شدن در حوزه واژه گزینی و واژه سازی، خود به خود چالشی ست بزرگ. چرا که از یک سو دقت و وسواس علمی می طلبد و از سویی با سلیقه ها و عاداتی زبانی مردم روبه روست. اما اگر بتوان دست کم دو محدوده واژگان عام و خاص را از یکدیگر جدا نمود، شاید دشواری کار کمتر گردد.

واژه ها و اصطلاحاتی که در زندگی روزانه کاربرد دارند بیشتر به وسیله عامه مردم و با معیارهای ذوقی و شم زبانی و عادت ارزیابی می شوند. بحثها و جدلهای احساسی بیشتر بر سر این گونه واژه ها در می گیرد و گاه کار به استهزا و دشنام نیز می کشد.

در محدوده واژگان تخصصی و علمی که تعدادشان صدها برابر دسته نخست و اهمیتشان در توان علمی بخشیدن به زبان فارسی به مراتب بیشتر است، معیارهای منطقی، ساختمندی زبانی، نظم و یکپارچگی مجموعه واژگان و پاسخ گویی به نیازهای آموزشی، پژوهشی و ارتباط علمی حاکم است. باز هم در این قلمرو کوششهای انفرادی نویسندگان، مترجمان و فرهنگ نگاران می تواند به واژگان یک رشته علمی گوناگونی، ناهمگونی و پراکندگی بیخشد و این جاست که نقش سازمانها و گروههای تخصصی و مسؤول (که این مسؤولیت، فرهنگی و علمی ست و نه لزوماً اداری و رسمی)، در هماهنگ سازی، یکدست سازی و هنجار گذاری مجموعه اصطلاحات نمایان می گردد.

سخن پایانی این که فرهنگ علوم انسانی با افزودن دو بخش دیگر تکمیل می گردد. یکی، فهرستی از منابع و سرچشمه هایی ست که در گردآوری واژه ها و همچنین در ساخت

واژه‌های تازه از آنها بهره گرفته شده است. بخش دیگر، فهرست فارسی به انگلیسی همه واژه‌هاست که وعده آن را گردآورنده محترم داده‌اند و با فراهم آمدن آن هماهنگ ساختن برابرها و یافتن موارد تداخل، تکرار و همپوشی آنها آسان خواهد شد. در این راه روشهای نوین رایانه ای بسیار سودمند و کارساز شده است.

چاپ و آماده سازی کتاب آراسته و پیراسته است و لغزشهای چاپی انگشت شمار. دست مریزاد!

تهران

یادداشتها:

- * به نقل از مجله جهان کتاب، تهران، سال ۲، شماره ۹ و ۱۰ (اردیبهشت ۱۳۷۶)، ص ۱۴-۱۵.
- ۱- terminology (1)
- ۲- lexicography
- ۳- R. R. K. Hartmann, ed., *Solving Language Problems: From General to Applied Linguistics*, Exeter: University of Exeter Press, 1996, p. 230.
- ۴- general dictionaries
- ۵- specialised (technical) dictionaries
- ۶- terminology (2)
- ۷- lexicon
- ۸- J. Sager, *A Practical Course in Terminology Processing*, Amsterdam: John Benjamins, 1990, p. 55.
- ۹- H. Bergenholts & S. Tarp, *Manual of Specialised Lexicography: The Preparation of Specialised Dictionaries*, Amsterdam: John Benjamins, 1995, p. 252.
- ۱۰- L. Zgusta, "Review of: Manual of Specialised Lexicography" in: *Dictionaries*, 1996, 17: 251-254.

جلال متینی

داریوش آشوری	داریوش آشوری
فرهنگ علوم انسانی، انگلیسی - فارسی	واژه نامه انگلیسی - فارسی برای علوم انسانی
ناشر: نشر مرکز	ناشر: مرکز اسناد و پژوهشهای ایرانی
چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴	چاپ یکم، پاریس، بهار ۱۳۷۴/۱۹۹۵
صفحات: دیباچه + که نوشت + درآمد: ۵۳+	صفحات: «یادداشت» ناشر و «دیباچه»
۴۲۵	مؤلف: ۶+ که نوشتها ۳+ «درآمد» به قلم
بها (؟)	آشوری: ۳۸+ ۴۴۶ بها ۵۰ دلار